

## حماسه کربلا در آثار عرفانی سنایی غزنوی

شاعران فارسی‌زبان تاکنون به حادثه مصیبت‌بار عاشورا و مصائب خاندان نبوت پرداخته‌اند و سنایی غزنوی نیز از جمله شاعرانی است که بیشترین مضامین عاشورایی را در اشعار خود گنجانده است.



شاعران فارسی‌زبان تاکنون به حادثه مصیبت‌بار عاشورا و مصائب خاندان نبوت پرداخته‌اند و سنایی غزنوی نیز از جمله شاعرانی است که بیشترین مضامین عاشورایی را در اشعار خود گنجانده است. شعر سنایی غزنوی‌عرفان یکی از مضامین مهم شعر فارسی است که بخش قابل توجهی از ادبیات را مرهون و مدیون آن هستیم. شاعران متعددی در سروده‌های خود مضامین عرفانی را بیان کرده‌اند، اما چنانچه خواهیم براساس اصول بحث کنیم، بی تردید حکیم سنایی غزنوی نخستین شاعری است که عرفان را به طور جدی وارد ادبیات و شعر فارسی کرد.

این هنر بزرگ سنایی در آثار وی از جمله حدیقه الحقیقه و سیرالعباد الی المعاد آشکار و متجلی است؛ قدرت سنایی در به کار بردن الفاظ و تسلط او بر زبان شعر، این امکان را به وی می‌دهد تا در غزل، مثنوی و قصیده طرحی نو درافکند و مضامینی تازه و متفاوت را به کار گیرد. یکی از مضامین مطرح مورد علاقه سنایی، ادبیات عاشورایی است که در اشعار وی تجلی یافته است. شاعران فارسی‌زبان از کسای مروزی تاکنون به حادثه مصیبت‌بار عاشورا و مصائب خاندان نبوت پرداخته‌اند و سنایی غزنوی نیز از جمله شاعرانی است که بیشترین مضامین عاشورایی را در اشعار خود گنجانده است.

حکیم سنایی درباره امام حسین(ع) چنین سروده است:

حبذا کربلا و آن تعظیم  
کز بهشت آورد به خلق، نسیم  
وان تن سر بریده در گل و خاک  
وان عزیزان به تیغ، دل‌ها خاک  
وان تن سر به خاک غلتیده  
تن بی سر، بسی بد افتاده  
وان گزین همه جهان، کشته  
در گل و خون، تنش بی‌اغشته  
وان چنان ظالمان بدکردار  
کرده بر ظلم خویشتن، اصرار

علاوه بر این در قطعه شماره ۸۲ دیوان سنایی نیز واقعه کربلا را مورد اشاره قرار می‌دهد:

داستان پسر هند مگر نشنیدی  
که از او بر سر اولاد پیمبر چه رسید  
پدر او لب و دندان پیمبر بشکست  
مادر او جگر عم پیمبر بمکید  
خود به ناحق حق داماد پیمبر بگرفت  
پسر او سر فرزند پیمبر ببرید  
بر چنین قوم چرا لعنت و نفرین نکنم  
لعنته الله یزیدا و علی حب یزید

سنایی در جایی دیگر اشاره می‌کند:

دین حسین توست آز و آرزو خوک و سگ است  
تشنه این را می‌کنشی وین هر دو را می‌پروری  
بر یزید و شمر ملعون چون همی لعنت کنی؟  
چون حسین خویش را شمر و یزید دیگری

پس سنایی دین درون انسان ها را حسین وجودی آن ها می داند و از نظر وی جنگی همیشگی میان حسین درون و یزید نفس وجود دارد، علاوه بر این حکیم غزنوی بعد از شرح مصیبت عاشورا، عزادار شدن و سوگواری پیامبر(ص)، امام علی(ع) و سایرین را به شکلی مجزون به رشته تحریر درمی آورد:

مصطفی جامه، جمله بدریده  
علی از دیده، خون بیاریده  
فاطمه روی را خراشیده  
خون بیاریده بی حد از دیده  
حسن از زخم کرده، سینه کبود  
زینت از دیده ها برانده دو رود  
شهربانوی پیر گشته حزین  
علی اصغر، آن دو رخ پرچین

سنایی غزنوی با اینکه از شعرای اشعری مذهب است، اما با دیدگاهی راستین به دین می نگرد و در اشعار خود آنچنان قدرت و مظلومیت امام حسین(ع) را منعکس کرده است که تمایل وی به مذهب شیعه را می رساند.

اشعار عاشورایی حکیم سنایی پیام مهمی را برای خوانندگان و مخاطبان دربردارد. وی واقعه کربلا را فرازمانی و فرامکانی می داند و بر این اعتقاد است که عنصر حقیقت روشن کننده دنیای درونی ماست، پس امام حسین(ع) و خاندان رسالت با تکیه بر حق، حقانیت خویش را اثبات کردند و نور هدایتشان در درون و بیرون انسان های سالک و اهل معرفت عالم همچون رودی خروشان جریان دارد، چراکه سخن دین که برگرفته از حق است هر چه باشد، بر روح و جان عارفان عاشق اثر خواهد گذاشت همان طور که به قول سنایی:

سخن کز روی دین گویی، چه عبرانی چه سریانی  
مکان کز بهر حق جویی، چه جابلقا چه جابلسا

ایکنا